

می شود بهتر از اروپا کار کرد؛ مطمئنم

گفتگوی یک انیمیشن ساز جوان

«حسین زارع»

حسین زارع متولد ۱۳۴۷ است. ساخت انیمیشن عروسکی را با تلاش خود و بدون حضور در کلاس یا درس استاد خاص آموخته. طراحی، نقاشی، مجسمه سازی، عروسک سازی و مینت و معرق را تا آنجا که در کار انیمیشن عروسکی ضرورت دارد و به ظرافت طراحی ماکت ها کمک می کند به خوبی می داند.

حداکثر ظرافت را در حد امکانات خود در ساختن عروسکها و ماکتها و حرکت دادن آنها به کار می برد و در طراحی داخل اتاقها و دیوارهای کوچه ها از دقیق ترین جزئیات تیرزین ها و فانوس های مینیا توری آویخته و ترکها و کجی ها فرو گذار نمی کند. با این حال تنها با مرارت و تقلای فراوان و به ثمن بیخس توانسته کاری به تلویزیون بفروشد. هم اکنون با حمایت حوزه هنری استان یزد در حال ساخت سریالی از قصه های بر که کوچک نوشته ی آذر یزدی است. گفتگویی که با او انجام شده شاید بتواند قسمتی از مشکلات کار کودک در تلویزیون را توضیح بدهد.

انیمیشن عروسکی چقدر قابلیت دارد؟ می‌شود با آن جنگ ساخت؟

خیلی قشنگ.

مثلاً سه برادر را؟

بله! البته آن عروسکی سیمی - دستکشی بود و خرجش کمتر است.

چه چیزهایی را نمی‌توان ساخت؟

فقط بعضی حرکات خاص را.

چقدر خرج برمی‌دارد؟

این کار در حالت عادی لاقط هشت نفر عوامل می‌خواهد - مجسمه‌ساز، عروسک‌ساز، دکورساز، نورپرداز، فیلم‌بردار، عروسک‌گردان، منشی صحنه و کارگردان. اما من همه این کارها را به تنهایی انجام می‌دهم. می‌توانید به همین محدود کارهای ایرانی که در برنامه کودک پخش می‌شود نگاه کنید تا ببینید اسامی عواملی که بعد از برنامه می‌آید چه تعداد است. اما با این قیمتی که می‌خرند اصلاً مقرون به صرفه نیست که کسی عوامل به کار بگیرد.

عمده هزینه این کار در چیست؟ ماکت و عروسک یا فیلمبرداری؟

برای من که تنها کار می‌کنم خرج عمده ماکت و عروسک است و بعد از آن زمان است و هزینه زندگی.

ساختن فیلم ده دقیقه‌ای یا یک ساعته چقدر برایتان فرق دارد؟ هزینه‌اش شش برابر می‌شود یا خیلی بیشتر؟

اگر مرفه باشی و خرجت برسد و روی کار متمرکز شوی ماهی بیست دقیقه راحت می‌شود کار کرد.

که یک ساعتش بشود سه یا چهار ماه.

احتمالاً سه ماه هم ماکت و عروسکش وقت می‌برد. بقیه دیگر فیلمبرداری است.

این نوع انیمیشن در سینمای ایران هم می‌تواند بازار پیدا کند؟

بازارش بهتر از تلویزیون است و مخاطب خوبی پیدا می‌کند.

داستان‌های کارهایتان را از کجا می‌گیرید؟

با الهام از بقیه فیلم‌ها، از داستان‌های کودکان، از حکایات قدیمی که به خصوص حکایات مذهبی خیلی قشنگ‌تر درمی‌آید. در کل من اطمینان کامل دارم که از این کار حمایت می‌شود کارهایی در سطح بالا تولید کرد.

مثلاً مثل "سپرک"؟

سپرک باز متفاوت است اما این نوع کار را من مطمئنم که می‌تواند در سطح اروپا یا حتی بالاتر رشد کند.

مواد اولیه کار را از کجا می‌خرید؟

جای مشخصی که بگویند مواد اولیه این کار را می‌فروشند وجود ندارد یا اگر باشد ما سراغ نداریم.

در ایران چند نفر به این کار مشغولند؟

هفت هشت نفر هستند که غیر از یکی دو تا که در صداوسیما آشنا دارند و از آنها هر چه که بسازند با هر کیفیت، خوب می‌خرند بقیه مثل ما هستند.

برنامه کودک هم می‌بینید؟

برنامه‌های خارجی‌اش را نگاه می‌کنم برای الهام گرفتن. به زاویه‌های دوربین و استوری بردها دقت می‌کنم.

اولین کار شما چه بود؟

اولش کارهای پراکنده تمرینی انجام می‌دادم. در سیزده چهارده سالگی دوربین هشت میلیمتری برمی‌داشتم و استکان و لیوان را حرکت می‌دادم و از آن فیلم می‌گرفتم و ظاهر می‌کردم. اما اولین فیلمی که ساختم فیلم "سیب و ماه" بود که به شبکه دو فروختم.

چه سالی؟

حدود سال ۶۴ و ۶۵ بود و مسئولین شبکه که استقبال خوبی کردند و بخش شد.

این فیلم هشت دقیقه بود.

بسه کجای تلویزیون می‌فروختید؟

رفتم بخش کودک شبکه دو و گفتم فیلم دارم. دقیقه‌ای شصت هزار تومان خریدند. آن فیلم البته ۱۶ میلیمتری بود.

چند فیلم کار کرده‌اید؟

الان دارم هیجدهمین فیلم را می‌سازم.

همه را فروخته‌اید؟

یکی دو تا را دادم به دو نفر واسطه و رفتند در بازار آزاد خارج فروختند. یکی از آنها "عصر زمان" بود درباره فقری که به فساد منجر می‌شود و در جشنواره رمانی برنده جایزه شد.

دلالت بودند؟

نه! هم چراغهای ما بودند وقتی که زرگری می‌کردم. می‌رفتند به خارج و می‌آمدند. بسعد هم که فیلم "منصور حلاج" بود و...

چند فیلم کلاً به تلویزیون فروخته‌اید؟

یکی سیب و ماه بوده، یکی درخت سخنگو که سال ۶۸-۶۹ بود که به شبکه دو فروختم و بعد "خیانت" و "پند".



کلاً از اینکه فیلم ببری خیلی خوشحال می‌شوند اما به رویشان نمی‌آورند

فیلم دوم را چگونه خریدند؟

نسبتاً خوب خریدند. دقیقه‌ای هشتاد هزار تومان.

نمی‌گفتند چرا قبلاً تصویب نشده یا ایرادات دیگری نمی‌گرفتند؟

اصلاً به این چیزها فکر نمی‌کردند. آن روز انیمیشن سه‌بعدی خیلی کم بود.

یک بیست روز معطل می‌کردند تا ایراد بگیرند و قیمت پائین بیاید اما در کل خوب بود.

می‌شناختند تا آن که قبلاً هم فیلم فروخته‌اید.

نه! آن‌طور نبود که بشناسند. من هم آشنای خاصی در تلویزیون نداشتم. می‌رفتم و می‌گفتم فیلم دارم.

فیلم "خیانت" همین یک سال پیش بردیم و خیلی هم ارزان خریدند.

باز هم رفتید شبکه دو؟

رفتیم شبکه دو که گفتند فیلم را به "استودیو صبا" بدهید تا تأیید کنند.

جزء صداوسیماست؟

قبلاً خصوصی حساب می‌شد. حالا مرکز شده و دولتی حساب می‌شود.

هدف اولیه‌اش حمایت از کار انیمیشن بوده. یعنی چند نفر جمع شده‌اند و اینجا را تأسیس کرده‌اند برای این کار. صداوسیما هم حمایت کرد و اولش به صورت نیمه دولتی درآمد و چند کار هم تولید کرد که در سطح بالایی نبود. بعد هم که تبدیل شد به بلای جان انیمیشن ساز.



حتماً باید به آنجا فروخت؟

بله! البته خودش هم تولید می‌کند و از بعضی‌ها هم حمایت می‌کند اما کیفیت کارهای خودشان هرگز به اندازه قیمتی که روی آن می‌گذارند بالا نیست یا اگر هست در تلویزیون پخش نمی‌شود.

چه تأییدی قرار بود بکنند؟

تأیید کلی، هم داستان و هم کیفیت را.

سراجم فیلم چه شد؟

رفتیم پیش رئیس استودیو صبا. گرفتند و برای بازیابی سه ماه آنجا بود. بعد از سه ماه گفتند بیست روز دیگر بیاوید.

اصلاً فیلم را ندیده بودند. بعد از بیست روز که رفتیم گفتند فیلم شما نیست. گفتیم مگر می‌شود نباشد؟ گفتند یک نسخه دیگر بیاورید. نسخه جدید را بردیم و این بار عیب‌های خیلی جزئی از آن گرفتند. بساز هم یک ماه علاقمان کردند که حاضر بودیم به هر قیمتی که می‌گویند بدهیم برای فروش به خارج هم آشنا نداشتیم.

بالاخره دقیقه‌ای ۱۳۰ هزار تومان خریدند یعنی ده دقیقه‌اش یک میلیون و سیصد هزار تومان شد.

چقدر هزینه کرده بودید؟

یک ماه زمان برد با چهار نفر عوامل. آن روز با یک نفر که دوربین و استدیو داشت کار می‌کردم که بعد چون صرفه اقتصادی نداشت وسایلش را فروخت.

کار خودشان را چقدر قیمت می‌گذارند؟

دوبعدی‌هایی که خودشان می‌سازند را با دوبله‌ای که رویش می‌گذارند دقیقه‌ای یک میلیون و سیصد می‌فروشند. یعنی شما اگر بروید استدیو صبا می‌بینید فیلمی که دارند می‌سازند پانزده تا عوامل دارد که هر کدام باید به اندازه خودشان و کاری که بلدند پول بگیرند. فیلمبردار، نورپرداز، دکورساز، عروسک‌گردان، کارگردان. اینها خرج کار را خیلی بالا می‌برد. برای همین با این قیمتی که از ما می‌خرند کار کردن اصلاً صرف نمی‌کند.

اگر قبلاً از خودشان سفارش بگیرید چه؟

فایده‌ای ندارد. اگر فیلمنامه‌ها یا طرح خوب باشد که می‌گویند خوب نیست و خودشان می‌سازند. و اگر متوسط باشد از نظر آنها سه یا چهار ماه می‌دوانند. ما یک طرح اسکلت عروسک به آنجا بردیم که خیلی انعطاف‌پذیر بود، دیدند و گفتند در سطح شهرستان بد نیست و در ظاهر خیلی تحویل نگرفتند اما همان وقت بردند به یک اتاق دیگر و بعد عین همان را دیدیم که در کارهایشان استفاده کرده‌اند.

بعضی کارتون‌های ایرانی که جدیداً از تلویزیون پخش می‌شود کار آنهاست؟

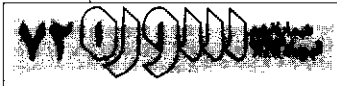
همه چیز از کانال آنهاست. یا می‌خرند و بعد دوبله می‌کنند. و از تلویزیون پخش می‌کنند یا خودشان می‌سازند. خداوند لک‌لک‌ها را دوست دارد کار آنها بود.

کار شما از تلویزیون پخش شد؟

یک بار پخش شد و خبر موقت داریم که الان آن را فروخته‌اند به خارج. یعنی اروپایی‌ها این نوع انیمیشن را چون هزینه‌اش زیاد است، کمتر می‌سازند. فکر نکنم به کیفیتش هم نگاه کنند. فقط ماهیت کار و زحمتی که کشیده شده برایشان مهم است.

تشویقتان نکردند که باز هم فیلم بیاورید؟

کلاً از اینکه فیلم ببری خیلی خوشحال می‌شوند اما به



عروسکمان را که برده بودیم تا طرحش را بفروشیم یکی از مسئولان آنجا گرفته بود و سعی می‌کرد از انوش رابه جلوخم کند! این در حالی است که به بعضی از آنها که زنگ می‌زدیم یا کاری داشتیم می‌گفتند مثلاً رفته‌اند ایتالیا یا استرالیا یا فلان. بعید می‌دانم که بروند فناوری را منتقل کنند

رویشان نمی‌آورند. می‌خواهند تا جایی که می‌شود کاری کنند که اصلاً مفت بدهی. اینکه حالا چون قبلاً فیلمت را خریده‌اند و خوب بوده حالا بیشتر تحویل بگیرند، اصلاً چنین نیست.

باز هم فیلم بردید؟

یک فیلم ۱۵ دقیقه‌ای بود که ما اسمش را گذاشتیم "آقبال آهنگر" و آنها تعبیرش دادند به "پند". گرفتند و گفتند می‌خریم الان هفت هشت ماه است که زنگ می‌زنیم و می‌گویند اینجا مرکز شده و هنوز تکلیف‌ها معلوم نیست و بودجه نیامده.

چقدر پول؟

دقیقاً معلوم نیست. خیلی اوج کند سه میلیون تومان. آن هم درست در زمانی که می‌خواستیم مستقل شویم و به پول احتیاج زیادی داشتیم. کلاً این جور کار طوری است که اگر حمایت مالی از جایی نشوی تا پول کار قابلیت نرسد نمی‌توانی کار بعدی را شروع کنی. این غیر از آن است که چند ماه از وقت رفته و کار و درآمد دیگری نداشته‌ای. البته سر همین فروختنش هم ماجراهایی داشتیم.

چه ماجرای؟

شب از شهرستان راه افتادیم به طرف تهران و صبح صبحانه نخورده رفته‌ایم استودیو صبا. ما را نشانند روی صندلی که حاج آقا رفته‌اند. مراسم میلاد حضرت فاطمه (س).

تا ظهر نیامدند و وقتی هم که آمدند با اینکه جلوی ما در راهرو قدم می‌زدند منشی می‌گفت ایشان وقت ندارند. دو سه بار سؤال کردیم که برویم پیش حاجی آقا، با اینکه جلویمان قدم می‌زد منشی می‌گفت نه! زشت است. بعد گفت خودم مطرح می‌کنم، بروید پیش آقای به نام... که ایشان هم ناراحت شد که چرا شما را فرستاده‌اند پیش من، ولی در کل بر خوردش بهتر بود. گفت اینجا مرکز شده و معلوم نیست ما باشیم یا نباشیم. بالاخره هم حتماً سفارش او بود که آقای... رفت داخل اتاق و یک دقیقه بعد بیرون آمد که: می‌خریم. یعنی نه دیده‌اند و نه بررسی کرده‌اند و بعد از این که قبلاً هم دوانده بودند در یک دقیقه به این نتیجه رسیدند که می‌خرند. یعنی می‌دانید ماجرا چیست؟ اینها دستور ریاست صدا و سیما را دارند را دارند که هر چه انیمیشن با هر کیفیتی آوردند بخرید. این البته خوب است اما در عمل به این تبدیل می‌شود که به همه کارها از قبل نگاه آماتور داشته باشند و پولهایی که می‌دهند در چشمشان جنبه تشویق و خیرات داشته باشد. البته اغلب آدمهایی که با آنجا سر و کار پیدا می‌کردیم دانش فنی اندکی در مورد انیمیشن داشتند. عروسک‌مان را که برده بودیم تا طرحش را بفروسیم یکی از مسئولان آنجا گرفته بود و سعی می‌کرد زانویش را به جلو خم کند! این در حالی است که به بعضی از آنها که زنگ می‌زدیم یا کارش داشتیم می‌گفتند مثلاً رفته‌اند ایتالیا یا استرالیا یا فلان.

بعید می‌دانم که بروند فناوری را منتقل کنند. گفتید که قصد داشته‌اید مستقل کار کنید. چرا نشدید؟

هفت هشت میلیون برای ایجاد دفتر و خریدن دوربین و... نیاز داشتیم و اتفاقاً به هر جا که در استان مراجعه کردیم یک ریال هم کمک نکردند. نه هشت میلیون، که حرف یکی دو میلیون را مطرح کردیم که مقدمات کار را شروع کنیم و از هیچ‌جا کمک نکردند. یعنی شکل اصلی این است که آدم نمی‌داند برای حمایت از این کار باید به کجا مراجعه کند. در حالی که من اطمینان صددرصد دارم که اگر از این کار حمایت شود می‌توان در ایران کارهایی بالاتر از کارهای اروپایی تولید کرد.

صداوسیما اعلام کرده که پنجاه ساعت انیمیشن تولید کرده.

بعید نیست اما این کارهایی که الان پخش می‌شود و اسم استودیو صبا هم با تعداد عوامل بسیار زیرش هست می‌بینید کیفیتش پائین‌تر از حد مطلوب است. تنها عروسکی که می‌شود ۸۵ درصد آن را حرفه‌ای دانست و بخش شده انگشت سحرآمیز بوده. من شنیده‌ام که کارهای با کیفیت را می‌فروشند به خارج و به جایش با قیمت ارزان‌تر کارتونه‌های خارجی وارد می‌کنند.

با این روایی که من در خرید می‌بینم یکی هم که سراغ این کار بیاید آنقدر اذیتش می‌کنند که ول کند و برود. خود من هم می‌خواستم برای همیشه این کار را کنار بگذارم تا اینکه از یک کانالی معرفی شدم به حوزه هنری.

حوزه هنری به جز جاو دوربین چه حمایتی می‌تواند بکند؟

همین مکان و دوربین و کامپیوتری که در اختیار گذاشته‌اند، واقعاً کمک

بزرگی است. حمایت مالی خاص نمی‌خواهیم، تنها اگر بتوانند مشکل فروش ما را حل کنند که آدم با خیال راحت کار کند خیلی ممنون خواهیم شد. البته قول مساعد برای همکاری داده‌اند.

حرف آخر!

حرف آخر همان حرف اول است که برای کار انیمیشن هیچ متولی مشخصی وجود ندارد. حرف این است که یک عده آدم مستقل بیایند و کار ما را با کارهای استودیو صبا مقایسه کنند، اگر بهتر بود یا در سطح آنها بود به همان اندازه اهمیت بدهند و حمایت کنند.



آدم نمی‌داند برای حمایت از این کار باید به کجا مراجعه کند. در حالی که من اطمینان صددرصد دارم که اگر از این کار حمایت شود می‌توان در ایران کارهایی بالاتر از کارهای اروپایی تولید کرد

